

مورد نظر ما نیز در همین میانه است.

نامه برای پوزش خواهی از دیرکرد کتابت نسخه‌ای از شرح مشارق نوشته شده است و نویسنده نامه این تأخیر را به دلیل سهل انگاری کاتب دانسته است. از فحوای نامه برمی آید که نویسنده، نقش واسطه یا سفارش گیرنده را برای کتابت نسخه بر عهده داشته و از این جا شاید بتوان گمان برد که او و راق بوده است. نیز چون نسخه در انقره کتابت شده و نامه‌هایی از نویسندگان آناتولی در آن هست، می توان گمان برد که نویسنده نامه در همان مناطق می زیسته است؛ به ویژه که در متن نامه از واحد پول «آقجه» (آقچه) سخن رفته که می دانیم در سرزمین‌های آناتولی و اران رواج داشته است. از نکات جالب توجه در این نامه اشاره بدین نکته است که نویسنده نامه، جزو‌ه‌هایی را که تا آن زمان کتابت شده بود برای سفارش دهنده فرستاده است و اشاره دارد که دیگر جزو‌ه‌ها را پس از نگارش خواهد فرستاد. روشن است که این کار پیش از تجلید نسخه انجام می شده است.

قراین نشان می دهد که استنساخ نسخه‌ها همواره در پی سفارش انجام می شده است و چنین نبود که اثری را از پیش بنویسند و سپس در پی مشتری باشند. بنابراین می توان پنداشت که یکی از کارهای راقان، گرفتن سفارش استنساخ از مشتریان و ارجاع آن به کاتبان بوده است. به عبارتی وراقان، نقش میانجی را میان مشتریان و کاتبان بر عهده داشتند.

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت آنکه مشتریان معمولاً از وراقان چندان دور نبودند تا نیاز به نامه‌نگاری میان آنان باشد. از همین روی است که در میان نامه‌های بازمانده از ادوار پیشین، چنین نامه‌هایی بسیار کمیاب است. اینکه چرا نامه‌ای با این مضمون نگاشته شده و اکنون به دست ما رسیده روشن نیست. شاید از آن روی بوده است که نویسنده نامه از شرمساری نخواستسته با مشتری رویاروی شود و لذا ماقع را با نامه برای مشتری نوشته است.

چنان‌که خواهیم دید، در نامه از استنساخ نسخه‌ای با نام شرح مشارق گفت‌وگو شده است. گویا این نام، شکل مختصر شده نام اصلی اثر است و چون نام چندین اثر با

## نامه‌ای در پوزش خواهی از دیرکرد استنساخ یک نسخه

علی صفری آق‌قلعه

نسخه‌شناس و پژوهشگر متون ادبی  
alisafari\_m@yahoo.com

مانند بسیاری از آداب نسخه‌پردازی، آگاهی‌های ما درباره شیوه سفارش کتابت نسخه‌ها اندک است. نوشته‌ای که پس از این خواهیم دید، یکی از نامه‌هایی است که شاید آگاهی‌هایی در این زمینه در دسترس ما قرار دهد.

نامه مورد گفت‌وگو در یک مجموعه از آثار مرتبط با ترسل (نسخه ۱۹۴ و قفی مرحوم علی اصغر حکمت به کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ص ۹۵ پ) درج شده است. در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات (دانش پژوه، ۵۱) تاریخ کتابت این مجموعه سال ۶۵۶ ق یاد شده است اما نگارنده با توجه به قراین نسخه‌شناسی، عدد ۸۵۶ را در انجامه نسخه محتمل تر می داند. طبعاً سال ۶۵۶ ق ارزش نامه مورد گفت‌وگو را بیشتر خواهد کرد اما کتابت مجموعه به سال ۸۵۶ ق بیش تر محتمل است و این نیز به نوبه خود ارزشمند است. همه مجموعه به قلم زکریابن عوض کاتب در شهر انقره (/انگوریه/آنکارا) کتابت شده و دارای بخش‌های پایانی از اثری با نام مفتاح الانشاء از محمدبن حاجی و نیز اثری با نام مجموعه جلالیه از محمدبن علی الناموس الخواری است.<sup>۱</sup> همچنین نامه‌هایی پراکنده از نویسندگان آناتولی در پایان نسخه نگاشته شده که نامه

۱. تصحیح این اثر به‌عنوان پایان‌نامه دکتری رشته تاریخ و تمدن اسلامی توسط آقای قنبرعلی رودگر به سال ۱۳۸۳ ش در دانشکده الهیات دانشگاه تهران دفاع شده است. گزیده‌ای از بخش نخست این اثر در مقاله «آلات کتابت و بیان آداب و عادات دبیری برگرفته از نسخه تحفه جلالیه» توسط آقای رودگر منتشر شده است. نیز اثری از نویسنده مجموعه جلالیه با نام «حدائق الوثائق» پیش از این منتشر شده است (نک: منابع).

جزء «مشارق» آغاز می‌شود، نمی‌توان با اطمینان گفت که مقصود کدام یک از آن‌ها بوده است. شاید یکی از شروح مشارق الانوار النبویة من صحاح الاخبار المصطفویة مد نظر بوده است (برای این شروح، ر.ک: دست‌نوشته‌های ایران، ج ۶، ص ۱۰۵۸). البته گمان نویسنده این سطور بر آن است که واژه «شرح» جزو نام کتاب نبوده و در واقع عبارتی توصیفی برای اثر است و در این صورت می‌توان گمان برد که نسخه‌ای از متن فارسی مشارق الدراری سعیدالدین سعید فرغانی در نظر بوده که شرحی بر تائیه این فارض است؛ به‌ویژه که مشارق الدراری در آنطولی نگاشته شده و مجموعه مورد نظر ما نیز در انقره کتابت شده است و گفتیم که نامه‌هایی از نویسندگان آن سرزمین در آن هست.

چون از این نامه تاکنون یک نسخه شناخته شده، ملاک دیگری برای حل نادرستی‌های آن در دست نداشتیم. به‌ویژه که نشر بخش‌های پایانی نامه نشان می‌دهد که نویسنده‌اش تبحر چندانی در نگارش نداشته و جز اشتباهات کتابتی، نثری چندان اصولی ندارد تا با قراین سبکی بتوان نادرستی‌ها را دریافت. البته خطبه نامه نثری استوارتر دارد که به احتمال بسیار، نویسنده آن را از نمونه‌های نامه‌نگاری الگوبرداری کرده است. به هر حال تلاش بر این بود که از روی نسخه موجود، متنی نسبتاً درست استخراج شود. اینک متن نامه:

روایح نفحات اعطاف الهی و فوحات الطاف نامتناهی که از منبع کمالات رحمانی و معدن سعادات سبجانی دمیدن و وزیدن گیرد، به جناب افتخار الموالی، شرف الاعاظم و الاعالی، حجة الله فی الارض، محیی السنّة و الفرض، الذی غنت<sup>۲</sup> اسمه عن رسم التعریف و خلعت مآثره عن طوق التوصیف:

یفنی الکلام و لا یحیط بوصفه  
أ یحیط ما یفنی بما لا ینفد

لا زالت میامن انفاسه فرق المسترشدین واصله و اسنان  
یراعه<sup>۳</sup> بین الحق و الباطل فاصله موصول باد.

بعد الدعوات المسکّیة النفحات و التحیات الوردیة

۱. نسخه: «سعادت»؛ به قرینه «کمالات» تغییر داده شد.

۲. نسخه: «+ من»؛ در اینجا «غنت» نیز از دیدگاه صرفی نادرست می‌نماید.

۳. نسخه: «پراعه».

الصفحات، معلوم ذات شریف و عنصر لطیف گردد که دعاگوی مخلص را از جهت شرح مشارق بی‌نهایت خجالت و شرمندگی حاصل شد، اما خدای تعالی عالم است که اندر این قضیه تقصیر از جهت این مخلص نیفتاد؛ هرچه افتاد از جانب کاتب بود.

از برای ترغیب تعجیل کتابت، چهارصد اوجه نقد در اوّل شروع به کتابت با وی تسلیم کرده شد که به جدّ تمام بنویسد؛ تأخیرکنان تأخیرکنان دعاگوی را به این شرمندگی انداخت. حاصل کلام: بیست جزو نوشته شد؛ اجزاء را به دست برنده<sup>۴</sup> و ورقه محبت دادیم [و] به خدمت ارسال کردیم تا در وقت احتیاج به شرف مطالعه مشرف شود. باقی را نیز در نوشتن است، اگر آن‌ها هم در بایست شد اعلام فرمایند فرستاده شود. ازان ما بتائی<sup>۵</sup> کفایت شود. بی ادبی را از حد گذرانیدیم. الطاف فرموده و عفو و تجاوز کنند که العذر عند کرام الناس مقبول.

### منابع

شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۶، قلندریه در تاریخ، تهران: سخن.

دانش‌پژوه، محمدتقی، ۱۳۴۱، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات (مجموعه وقفی جناب آقای علی اصغر حکمت)، تهران، ضمیمه س ۱۰، مجله دانشکده ادبیات.

فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، به کوشش مصطفی درایتی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ ش.

فرغانی، سعیدالدین سعید، مشارق الدراری (شرح تائیه ابن فارض)، به کوشش سید جلال‌الدین آشتیانی، مشهد: انجمن فلسفه و عرفان اسلامی، ۱۳۵۷ ش.

ناموس خواری، محمدبن علی، «آلات کتابت و بیان آداب و عادات دبیری برگرفته از نسخه تحفه جلالیه»، به کوشش قنبرعلی رودگر، نامه بهارستان، پیاپی ۱۳-۱۴، ۱۳۸۶-۱۳۸۷ ش، ص ۱۳-۲۲.

ناموس خواری، محمدبن علی، «حدائق الوثائق»، به کوشش مصطفی گوهری فخرآباد و حمیدرضا ثنائی، نامه بهارستان، پیاپی ۱۵، آبان ۱۳۸۸ ش، ص ۱۰۱-۶۷.

۴. در حاشیه نسخه به خطی دیگر: «دارنده» درج شده است. این تعبیر رواج داشته و برای نمونه در یکی از نامه‌های قلندریان مندرج در قلندریه در تاریخ (شفیعی کدکنی، ۳۷۰، ص ۲) دیده می‌شود.

۵. کذا.

۶. این تعبیر نادرست نیست اما چندان هم فصاحت ندارد. اگر شخصی خوش قلم بود مثلاً می‌نوشت: «از تقصیری که رفت تجاوز کنند».